مهرنوش سروش، سیدعمادالدین خضرائی

آثار گنج‌علی‌خان و علی‌مردان‌خان در ایران و شبه قاره

با تکیه بر باغ شالیمار لاهور

معماری و شهرسازی ایران‌زمین میراث هنرمندان و هنرپروران گم‌نام است. گنج‌علی‌خان زیگ، که در دورهٔ پادشاهی شاه عباس اول صفوی بر کرمان و بعدها هرات و قندهار فرمان می‌راند، از جملهٔ حامیان گم‌نام معماری ایران است. اگرچه مجموعهٔ گنج‌علی‌خان کرمان نام او را پاینده کرد، دیگر آثار خیر او کمتر شناخته شده است. گنج‌علی‌خان در دورهٔ سی‌سالهٔ حکومتش به ساخت و احیای باغها و قناتهای کرمان همت گماشت و آثاری نیز در شهرهای دیگر، از جمله قندهار، از خود به یادگار گذاشت. علی‌مردان خان، فرزند گنج‌علی‌خان، نیز که پس از پدر به حکومت رسید، مهندس و باغ‌سازی بزرگ بود که به رغم گم‌نامی در ایران، در پاکستان او را بزرگ می‌دارند. علی‌مردان‌خان در دربار شاه جهان، پادشاه گورکانی هند، یکی از بزرگ‌ترین آثار فرهنگی این کشور را پدید آورد: باغ شالیمار در لاهور، که به استناد منابع تاریخی، طراحی و مهندسی آن کار علی‌مردان‌خان است. این باغ از سال ۱۹۸۲م در شمار محوطه‌های میراث جهانی در کشور پاکستان ثبت شده است. اگرچه این باغ بیرون از مرزهای سیاسی ایران است، به سبب واقع شدن در محدودهٔ ایران فرهنگی ـ تاریخی و نیز از آنجا که حاصل صناعت یکی از مهندسان بزرگ، اما گم‌نام تاریخ ایران است؛ نمونه‌ای است از آثار معماری این سرزمین.

در تاریخ معماری و شهرسازی ایران، از بانیان و حامیان و هنرمندان و هنرپروران پدیدآورندهٔ آثار کمتر نامی به میان آمده است. اگرچه نام بانی و معمار اثر در برخی از کتیبه‌ها ثبت و در لابه‌لای متون از بعضی معماران و مهندسان یاد شده است؛ نامهایی که از این منابع به دست می‌آید در قیاس با خیل عظیم حامیان و معماران و مهندسان و صنعتگرانی که دست‌اندرکار خلق گنجینهٔ عظیم میراث معماری ایران بوده‌اند بسیار ناچیز است. گذشته از آن، در مواردی که نامی از بانی یا معماری به جا مانده است، بیشتر به واسطهٔ یک یا چند اثر مشهور اوست و از دیگر آثارش کمتر یاد می‌شود. گنج‌علی‌خان، حاکم کرمان، و فرزندش علی‌مردان‌خان از جمله بانیان و مهندسان بزرگ تاریخ معماری ایران‌اند که تا کنون چنان‌که باید شناخته نشده‌اند.

۱. حکومت گنج‌علی‌خان و علی‌مردان‌خان

گنج‌علی‌خان زیگ[1] (حک ۱۰۰۵-۱۰۳۴ق/ ۱۵۹۶-۱۶۲۴م) در یکی از دوره‌های مهم تاریخ ایران، در عهد شاه عباس صفوی (حک ۹۹۶-۱۰۳۸ق)، به حکومت کرمان رسید. او در دورهٔ سی‌سالهٔ حکومتش کوشید شهر ویران و نابسامان کرمان و ولایتهای اطراف آن را سامان دهد و به این منطقه رونقی دوباره بخشد. بدین منظور، گذشته از چندین بنای عام‌المنفعه که از محل خزانهٔ دولتی در آنجا برپا کرد، با موقوفات بسیار زمینه‌ساز رونق اقتصادی و احیای کالبدی شهر کرمان شد. نتایج درخشان فرمانروایی او در ولایت کرمان سبب شد که شاه عباس حکومت قندهار و هرات را نیز به او واگذارد (۱۰۳۱ق) و بدین‌سان دامنهٔ آثار حکومت او تا افغانستان کنونی گسترش یافت.

پس از گنج‌علی‌خان، فرزندش علی‌مردان‌خان به حکومت مناطق تحت امر پدر منصوب شد. او در دورهٔ آشفتهٔ حکومت شاه صفی (۱۰۳۸-۱۰۵۲ق) به دربار گورکانیان هند پناه برد. شخصیت و توانایی علی‌مردان‌خان سبب شد که در شمار خواص دربار شاه جهان گورکانی درآید و از مشاوران عالی او شود و در سایهٔ حمایت او یکی از زیباترین و معروف‌ترین باغهای ممالک اسلامی را پدید آورد. هرچند که او طبعاً مغضوب مورخان دربار صفویان و پیروانشان بوده است و آنان در آثارشان به‌عمد

یا سهو از او یاد نکرده‌اند؛ نام او در شمار هنرمندان و مردان بزرگ دربار هنرپرور گورکانیان هند آمده و ماندگار شده است. بزرگ‌ترین اثر او در این دوره باغی است به نام شالیمار در لاهور، در ایالت پنجاب پاکستان، که در این نوشتار معرفی خواهد شد. این اثر برجسته در فهرست محوطه‌های تاریخی میراث جهانی ثبت شده است.

آغاز ولایت گنج‌علی‌خان با اوایل دورهٔ پادشاهی شاه عباس اول صفوی، یعنی دورهٔ بی‌ثباتی حکومت و جنگهای خارجی و آشوبهای داخلی، مقارن بود. گنج‌علی‌خان در هر دو جبهه از یاران وفادار شاه به شمار می‌رفت.[۲] رابطهٔ نزدیک این دو سالها پیش در هرات پی‌ریزی شده بود:

> گنج‌علی‌خان از خدام مخصوص و معتبر عباس‌میرزا [(شاه عباس بعدی)] در زمان تبعید وی در هرات بود. قرار بود به دستور شاه اسماعیل دوم، عباس‌میرزا هم مثل سایر شاه‌زادگان به قتل برسد؛ اما در همان روز خبر مرگ شاه رسید (۹۸۵ق/ ۱۵۷۷م). علی‌قلی‌خان شاملو، مرشدقلی‌خان استاجلو، و گنج‌علی‌بیگْ شاه‌زاده را به طرف پایتخت حرکت دادند. در مشهد، مرشدقلی‌خان لقب خانی را به گنج‌علی‌خان داد. شاه عباس همیشه به گنج‌علی‌خان احترام می‌گذاشت و او را «بابا» خطاب می‌کرد.[۳]

نویسندهٔ *تاریخ عالم‌آرای عباسی* در وصف گنج‌علی‌خان آورده است:

> گنج‌علی‌خان، بیگلربیگی قندهار، از طایفهٔ زیگ، از عشایر اکراد، همدم قدیم اعلی‌حضرت در دارالسلطنهٔ هرات، به حسن خدمات و مردانگیها [...] به مراتب علیاء خانی و لقب «بابا»یی، یعنی پدری، ترقی نموده.[۴]

در آغاز حکومت شاه عباس، ناآرامی و شورش داخلی در ولایات کرمان و فارس و یزد، که از زمان محمد خدابنده، پدر شاه عباس، آغاز شده بود، تداوم یافت. شاه عباس پس از سرکوب آشوبگران و تسلط به اوضاع داخلی کشور، به فکر افتاد که کرمان و فارس را با انتصاب حاکمان توانمند تام‌الاختیار موقعیتی ویژه بخشد؛ زیرا بر آن بود تا با تغییر مسیر راه ابریشم از قلمرو عثمانی به راه دریایی بوشهر و بندرعباس، تجارت را به این سو منتقل کند. بدین منظور، دو تن از مطمئن‌ترین یارانش، الله‌وردی‌خان و گنج‌علی‌خان، را به ترتیب به حکومت ولایات فارس و کرمان گماشت.[۵]

گنج‌علی‌خان با بهره‌گیری از اعتماد شاه عباس و اختیارات بسیاری که داشت اقداماتی بدین شرح برای اصلاح اوضاع آشفتهٔ ولایت کرمان و زدودن فقر و رکود و ناامنی از آن به انجام رساند:[۶]

– احیا و رونق تجارت در منطقه از طریق تأمین راههای تجاری و آرام کردن عشایر، و تجهیز راهها با کاروان‌سرا و میل و بناهای دیگر؛

– آبادسازی و افزایش درآمد کرمان از طریق حفر قناتهای تازه و ایجاد مزارع و باغهای متعدد؛

– تغییر شکل و ساختار شهر برای بازسازی بخشهای ویران و رهاشدهٔ آن و ایجاد رونق اقتصادی.[۷]

گنج‌علی‌خان تا پایان عمرْ حاکم کرمان بود. در اواخر کار، به سبب اهمیت جایگاه قندهار، هنگامی که با شاه به آنجا سفر کرده بود (۱۰۲۸ق/ ۱۶۱۸م)، حکومت آن ولایت نیز به او رسید و مأمور شد همان‌جا ساکن شود. بدین‌سان، قلمرو او از مرز فارس تا سرحد قندهار گسترده شد و تمام کرمان و بلوچستان و قاینات و سیستان را در بر گرفت. گنج‌علی‌خان در سال ۱۰۳۴ق در قندهار درگذشت و در مشهد به خاک سپرده شد.[۸] پس از او، شاه عباس پسرش علی‌مردان‌خان را در قندهار جانشین و عهده‌دار حکومت همهٔ نواحی تحت امر پدر کرد و «بابای ثانی» لقب داد.[۹] اما در سال ۱۰۳۵ق/ ۱۶۲۵م، برای آنکه ادارهٔ کرمان معطل نماند، طهماسب‌قلی‌خان را به حکومت کرمان گماشتند.[۱۰]

دورهٔ حکومت گنج‌علی‌خان در کرمان بیش از هر چیز با مجموعهٔ موقوفات (میدان، بازارها، حمام، آب‌انبار، کاروان‌سرا/ مدرسه، ضراب‌خانه) در میانهٔ بازار کرمان در یادها مانده است. با این حال گنج‌علی‌خان موقوفات متعدد دیگری نیز دارد که شرح آنها در وقف‌نامهٔ او آمده است. بیشتر این آثار باغهایی است که خود ساخته یا آنها را خریده و به قصد بازسازی وقف کرده است. گنج‌علی‌خان برای آبیاری باغها و آب‌رسانی به محلات و مکانهای عمومی شهر چند رشته قنات حفر و احیا کرد که در وقف‌نامه‌اش از آنها یاد شده است. از میان موقوفات بسیار گنج‌علی‌خان، در این نوشتار به شرح مختصر باغها و قناتهایی که او برای آبادانی کرمان و شهرهای دیگر بنا کرد بسنده می‌کنیم.

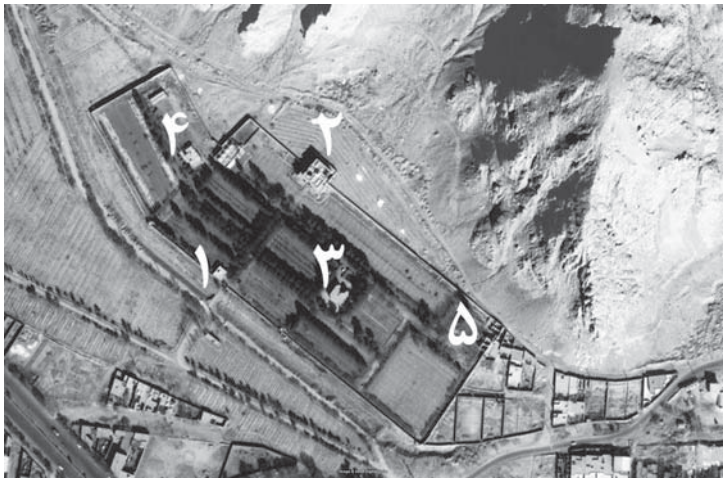

ت۱. باغ بیرم‌آباد. (۱) ورودی، (۲) شاه‌نشین، (۳) هشتی، (۴) بناهای خدمه، (۵) حمام. مأخذ: Google Earth

۱. آثار گنج‌علی‌خان در کرمان

۱-۱. باغها

الف) باغ بیرُم‌آباد

به روایت متون مختلف، گنج‌علی‌خان باغ بیرم‌آباد را، که از موقوفات اوست، خود بنا نهاد.[۱۱] این باغ امروز باقی است؛ هرچند که بدان رسیدگی نشده و صورت اصلی‌اش را از دست داده است. باغ در اصل در کنار روستای سرآسیاب، در حومهٔ شرقی کرمان، قرار داشته؛ اما به سبب گسترش شهر کرمان، امروز به شهر متصل است. این باغ در شرق شهر، در جنوب کوه صاحب‌الزمان و در جنوب قبرستان شهر، در شمال میدانی معروف به میدان سرآسیاب در ابتدای جادهٔ کرمان- ماهان قرار دارد.

وجه تسمیهٔ باغ به‌روشنی معلوم نیست. عقیدهٔ باستانی پاریزی در این باره چنین است:

> او [(گنج‌علی‌خان)] در کنار کرمان باغی بزرگ دارد به نام باغ بیرم‌آباد. اگر ترکیب ترکی نداشته باشد شاید از آبادیهای قدیم و مرکب از کلمهٔ «بی» (بغ) و «رام» (رامش) بوده باشد.[۱۲]

در پروندهٔ ثبتی اثر، دربارهٔ نام باغ چنین آمده است:

> بیرم در فرهنگ لغت [معین] نوعی پارچهٔ نخی شبیه به متقال عراق، ولی باریک‌تر و نازک‌تر از آن است. در منابع مربوط به کرمان، از محلی که در آن پارچه‌های ابریشمی می‌بافته‌اند یاد شده است. بنا بر این، شاید بتوان بیرم‌آباد را به عنوان محلی که پارچه‌های نخی تولید می‌کرده‌اند و کارگاههای بافندگی دایر بوده است، شناخت.[۱۳]

هیچ‌یک از این دو گفته چندان درست نمی‌نماید، به‌ویژه دومی؛ چرا که کارکرد تفرجگاهی باغ مشخص بوده و در پروندهٔ ثبتی نیز بر آن تأکید شده است.[۱۴] بنای کنونی وضعی نابسامان دارد و بخشهایی از آن ویران شده است. فقط کوشک مرکزی، که آن را دفتر ادارهٔ اوقاف کرده‌اند، تعمیر شده است. متأسفانه این بنا مطابق اصول صحیح مرمت آثار تاریخی تعمیر نشده و چهرهٔ اصلی آن آشکارا دگرگون شده است.

باغ بیرم‌آباد محوطهٔ محصوری است به شکل مستطیلی در جهت شمال غربی- جنوب شرقی، که دارای این بخشها بوده است: کوشک میانی، عمارت شاه‌نشین، قسمت مخصوص خدمه، حمام (ت۱).

باغ دیواری چینه‌ای دارد و ورودی آن از ضلع غربی است. در حدود دو هکتار وسعت دارد و به مرور زمان تغییرات بسیاری در طرح آن داده‌اند. باغ در گذشته از آب بعلی‌آباد (قنات گنج‌آباد) مشروب می‌شده، که در حال حاضر خشک شده و چاه و تلمبه جای آن را گرفته است.

کوشک میانی

زیباترین بنای باغ کوشک هشت‌گوشی است با هشتی‌ای در میان و طاق‌نماهایی در پیرامون آن. سقف این طاق‌نماها را کاربندی و با رنگهای رایج عهد صفوی تزیین کرده‌اند. ورودی هشتی با دو پیش‌آمدگیِ ستون‌مانند در جبههٔ شرقی مشخص شده، که مزیّن به نقوش گل‌وبوته و اسلیمی و و جانوران افسانه‌ای است. کتیبه‌ای به خط ثلث با کاشی معرق روی ستونها خودنمایی می‌کند (ت۲). متأسفانه در مرمت بنا، تغییراتی اساسی در شکل اولیهٔ آن ایجاد شده است؛ از جمله طاق‌نماهای اطراف هشتی که پر شده و ظاهر کوشک‌مانند اثر به کلی تغییر یافته است.

عمارت شاه‌نشین

عمارت شاه‌نشین در شمال ضلع شرقی باغ و دوطبقه است. بخش زیرینْ طاق‌نماها و اتاقهای متعدد دارد و بخش بالا چهارطاقی‌ای است به نام چهارفصل. عمارت چهارفصل، که دارای گنبد میانی و ایوانهای جانبی است، بر باغ و مناظر اطراف مشرف است. به نظر می‌رسد بنای این ساختمان کاملاً به پایان نرسیده بوده است (ت ۳).

ت۲. (راست) یکی از ستونهای پیش‌آمده در دو سوی ورودی هشتی. مأخذ: پروندهٔ ثبتی باغ بیرم‌آباد

ت۳. (چپ) شاه‌نشین باغ بیرم‌آباد، دید از جنوب غربی. مأخذ: پروندهٔ ثبتی باغ بیرم‌آباد

بخش خدمه

تعدادی اتاق در قسمت شمالی باغ، در غرب شاه‌نشین، با نقشه‌ای ساده و از مصالحی چون خشت خام و ملاط گل برای استفادهٔ خادمان و انبار ساخته بودند.

حمام

حمام، که در حاشیهٔ جنوب شرقی باغ قرار داشته، کاملاً از بین رفته است. از آثار و سنگهای به‌جامانده پیداست که برای ساخت این بنا بهترین مصالح را به کار گرفته بودند.

در *آثار الرضویه*، باغ بیرم‌آباد در شمار موقوفات گنج‌علی‌خان چنین معرفی شده است:

> باغ بیرم‌آباد واقع در نیم‌فرسنگی کرمان مشتمل بر انارستان و اشجار متفرقه و عمارات عالیه و حوض انبار و حمام و اراضی مزروعه و غیره.[۱۵]

گویا افزون بر عمارتهای یادشده، مجموعهٔ باغ شامل یک منبع آب، شاید در کنار حمام و اراضی زراعی پیرامون، نیز بوده که اکنون اثری از آنها نمانده است.

ب) باغ عباس‌آباد (باغ خان / باغ چهل‌کرّه)

بنا بر *آثار الرضویه*، باغ عباس‌آباد نیز جزو موقوفات و ساخته‌های گنج‌علی‌خان بوده است.[۱۶] گویا باغ عباس‌آباد را باغ چهل‌کرّه و باغ خان نیز می‌خوانده‌اند. باستانی پاریزی دربارهٔ این باغ چنین نوشته است:

> در کنار همین باغ [(بیرم‌آباد)]، در زمینهایی که امروز بایر است و پایین قبرستان قرار دارد، یک باغ بزرگ وجود داشته که به باغ چهل‌کرّه معروف بوده است. البته او [(گنج‌علی‌خان)] این باغ را به نام شاه عباس، عباس‌آباد نام گذارده بود و جویباری که آن را مشروب می‌ساخت گنج‌آباد نام داشت و از آب بعلی‌آباد مشروب می‌شده.[۱۷]

همچنین در حکمی که علمای کرمان در دورهٔ قاجاریه دربارهٔ دعوی مربوط به تولیت موقوفات گنج‌علی‌خان صادر کردند، هر دو نام این باغ، که در آن زمان بایر شده بود، آمده است:

> چون مرحمت‌شأن، گنج‌علی‌خان، در زمان دولت جنت‌مکان، شاه عباس، [...] وقف کرده باغی را که خود در حومهٔ قریهٔ کرمان احداث کرده و آن را عباس‌آباد نامیده و اکنون طافیه است و مشهور است به باغ خان، [...] با قنواتی که خود آباد کرده و موسوم بوده به گنج‌آباد، آن نیز در این زمان طافیه است.[۱۸]

نویسندهٔ *جغرافیای تاریخی کرمان* باغ خان را باغی بسیار بزرگ و دارای عمارتهای عالی دانسته است:

> ... [گنج‌علی‌خان] از آن جمله باغی در صحرای زریسف خارج شهر موسوم به باغ خان بنا نموده، که دورهٔ آن قریب به یک فرسنگ است، مبنی بر قصور رفیعه.[۱۹]

دو نکته در این زمینه تأمل‌برانگیز است؛ نخست

آنکه به استناد این جمله از *آثار الرضویه* (۱۲۷۳ق) که «[باغ عباس‌آباد] حالی زمینِ بیاضِ[۲۰] مزروعی است»، باغ عباس‌آباد خالی از عمارت بوده و صرفاً از محصولات آن استفاده می‌کرده‌اند؛ دوم آنکه در همین سند، اندکی پس از وصف باغ عباس‌آباد از مزرعه و باغی به نام خان در شمار موقوفات گنج‌علی‌خان یاد شده است.[۲۱] به‌رغم آنچه از حکم علمای کرمان بر یکی بودن این دو نام به دست می‌آید، احتمال دارد باغ عباس‌آباد و باغ خان دو موقوفهٔ جداگانه بوده‌اند که به سبب گذر زمان و تغییر در وضع باغها یا تخریب آنها، به خطا یکی شمرده شده‌اند؛ به‌خصوص که بر خلاف بعلی‌آباد، که مکانی مشخص است، صحرای زریسف نامی مبهم است و به منطقهٔ وسیعی (در حدود شرق بعلی‌آباد) می‌گفته‌اند که حدود آن به‌درستی معلوم نیست.

باستانی پاریزی در شرح باغ عباس‌آباد نوشته است: «جویباری که آن را مشروب می‌ساخت گنج‌آباد نام داشت و از آب بعلی‌آباد مشروب می‌شده». در *آثار الرضویه* تأکید شده است که گنج‌علی‌خان بخشی از آب بعلی‌آباد را که صرف آبیاری باغ عباس‌آباد می‌شد وقف کرده بود؛ ولی از اینکه قنات گنج‌آباد ارتباطی با آب (قنات) بعلی‌آباد داشته سخنی نرفته است:

> منافع و مجاری سهام از جمله سهام علیاباد [(بعلی‌آباد)] مذکور که شرب [(؟)] باغ مزبور می‌شده سوای اراضی مزروعی...[۲۲]

ج) باغهای دیگر

به استناد *وقف‌نامهٔ* گنج‌علی‌خان، او این چهار باغ را خریده و وقف کرده بود: باغ نعمت‌آباد واقع در محلهٔ قطب‌آباد،[۲۳] شامل خانه‌ها و کوشکها؛ باغ عشرت‌آباد واقع در محلهٔ قطب‌آباد، شامل خانه‌ها و کوشکها؛ خیابانی بین باغ نعمت‌آباد و باغ نظر؛[۲۴] باغ باقرآباد[۲۵].

> همگی دو باغ حالی واقعه در محلهٔ قطب‌آباد؛ یکی مدعو به باغ نعمت‌آباد، مشتمل بر اراضی خالیه و عمارات و بیوتات، و دیگری موسوم به باغ عشرت‌آباد ایضاً مشتمل بر اراضی خالیهٔ عمارات و بالاخانه‌ها و بیوتات داخل شهر جدید؛ با همگیِ خیابانی که از بیرون باغ نعمت ممتد می‌شود به باغ نظر؛ با همگی باغی خالی خارج شهر مشهور به باغ باقرآباد به طریق بیع و شری [...] از مالکان نواب مومیٰ‌الیه انتقال شرعی یافته.[۲۶]

افزون بر موارد بالا، در کتاب *آثار الرضویه* دو باغ ناصرآباد و ناصریه نیز در شمار موقوفات گنج‌علی‌خان آمده است.[۲۷] در گذشته باغی به نام ناصری در غرب میدان ارگ و نزدیک سردر ارگ (سردر باغ) قرار داشت که به ظن قوی همین باغ ناصریه بوده است. همچنین در *وقف‌نامهٔ* گنج‌علی‌خان و در شرح قنات شهرآباد آمده که گنج‌علی‌خان با بهره‌گیری از آب این قنات، داخل و خارج محدودهٔ شهر، در سمت جنوب، خیابانهایی (مسیرهای مشجری) احداث کرد (نک: بند ۱-۲ در ذیل، در شرح قنات شهرآباد). آثار این باغها و دیگر باغهایی را که در جبههٔ جنوبی شهر احداث شده بود در نقشه‌های تاریخی کرمان می‌توان دید.

۱-۲. قناتها

گنج‌علی‌خان با هدف آبادانی شهر، به‌ویژه باغها و بناهای عام‌المنفعهٔ آن، به ساخت و توسعه و احیای قناتهای کرمان اهتمام ورزید، که مهم‌ترین آنها از این قرار است:

الف) قنات شهرآباد

ظاهراً قنات شهرآباد، پس از مجموعهٔ میدان گنج‌علی‌خان، شاخص‌ترین اثر خان در جهت تحول و رونق شهری بوده است. این قنات از دامنهٔ کوههای ماهان سرچشمه می‌گرفت و مسیری به طول هفت فرسنگ را تا شهر طی می‌کرد؛ از جبههٔ جنوبی شهر بدان وارد می‌شد و علاوه بر فراهم آوردن آب محلات و مجموعهٔ میدان گنج‌علی‌خان، کاشت درختان و آبادانی بستانهای جدیدی به شکل خیابانهای مشجر را در داخل شهر و خارج از آن میسر می‌کرد. از همین رو، آن را «شهرآباد» می‌خواندند. در *وقف‌نامهٔ* گنج‌علی‌خان در این باره آمده است:

> در بیان آنکه نواب مشارالیه در حومهٔ قریبهٔ کرمان کاریزی احداث و انشا نمود، به مال و رجال خود حفر و نقب قنوات آن کرده آب آن را در وسط میدان و بازار مجدد مزبور [(گنج‌علی‌خان)] جاری گردانید و ممر آب مذکور از ابتدا تا انتها از خاص مال خود ترتیب داد و در شوارع و خانه‌های عجزه و مساکین حوضها ساخت و بدین مناسبت که از وسط شهر جاری است موسوم به شهرآباد گردانید.

و قنوات و آبار[۲۸] کاریز مزبور ممتد می‌شود به لنگر شیخ عبدالسلام و قنات غستان،[۲۹] و از منبع که در دامنهٔ کوه ماهان است تا آن حوالی [که] رقّ‌آباد حومه است تخمیناً هفت فرسخ خواهد بود. و محدود است کاریز مزبور به کاریز مکرتباد [(شاید تکریت‌آباد)] و حسن‌آباد و احمدآباد زنجان حومه غرباً و صفت‌آباد شرقاً و بعد الاحیا و الاساحة المزبوره، در جانب جنوب شهر کرمان خیابانهای خارج شهر و داخل شهر احداث نموده اشجار مختلفه و حواشی و جداول آب شهرآباد غرس نمود و بعضی خانه‌ها و دکاکین در محلهٔ دولت‌آباد جهت اهون و ممر آب مزبور خریداری نموده.[۳۰]

ب) قناتهای گنج‌آباد و بعلی‌آباد

بنا بر *آثار الرضویه*، بانی قنات گنج‌آباد گنج‌علی‌خان بوده است.[۳۱] از آنجا که بعلی‌آباد منطقه‌ای بسیار قدیمی است و آبادانی آن در نخستین دوره‌های توسعهٔ شهری کرمانِ پس از اسلام به دورهٔ آل الیاس برمی‌گردد، و نیز از آنجا که در شرح موقوفات گنج‌علی‌خان به نو بودن آن اشاره‌ای نشده است، به ظن قوی گنج‌علی‌خان کاریز قدیم منطقه را احیا و وقف کرده است.

ج) قناتهای منطقهٔ مؤیدی[۳۲]

بر پایهٔ *وقف‌نامه*، گنج‌علی‌خان منطقه‌ای در حومهٔ کرمان به نام سلطان‌آباد مؤیدی را، که آسیابی بایر بود، خرید و قناتهای آن محدوده را آباد کرد.[۳۳] مؤیدی به منطقه‌ای در شمال شرق شهر قدیم گفته می‌شد که باغ مؤیدی، یخچال مؤیدی، و به استناد *وقف‌نامه*، آسیابهای سلطان‌آباد مؤیدی جزو آن بود.[۳۴]

۲. آثار گنج‌علی‌خان در شهرهای دیگر

۲-۱. مزرعهٔ مبارک‌آباد رفسنجان

به استناد *آثار الرضویه*، مزرعهٔ بزرگی به نام مبارک‌آباد واقع در نوق رفسنجان از موقوفات گنج‌علی‌خان بوده است.[۳۵]

۲-۲. قریهٔ کرمانشاه، در مسیر راه کرمان به یزد

احمدعلی‌خان وزیری در *جغرافیای کرمان* کرمانشاه را مزرعه‌ای کم‌آب از ساخته‌های گنج‌علی‌خان معرفی کرده است.[۳۶] گفته‌اند در سفری که شاه عباس مخفیانه به کرمان کرد تا از اوضاع این ولایت با خبر شود، در این منطقهٔ طافیه و بی‌آب‌وعلف با گنج‌علی‌خان ملاقات کرد. به فرمان شاه عباس، گنج‌علی‌خان مالی را که در کرمان بایست صرف پذیرایی از شاه می‌شد صرف آبادانی این قریه کرد.[۳۷]

۲-۳. باغ عباس‌آباد قندهار

گنج‌علی‌خان در دورهٔ اقامت و حکومت خود در قندهار در شمال این شهر باغی به نام عباس‌آباد ساخته بود که نویسندهٔ *مجمع التواریخ* آن را در شمار سه باغ بزرگ این شهر آورده است. آن سه باغ عبارت است از باغ کامران‌میرزا، پسر بابرشاه و برادر همایون‌شاه؛[۳۸] باغ نظرِ علی‌مردان‌خان؛ باغ عباس‌آبادِ گنج‌علی‌خان[۳۹].

در *منتظم ناصری* نیز از این باغ چنین یاد شده است:

در سال ۱۰۵۹ق، وقتی شاه عباس ثانی از هرات به تسخیر قندهار حرکت کرد، عساکر شاه عباس قندهار را محاصره کردند و خود [شاه عباس دوم] در عباس‌آباد که از باغهای گنج‌علی‌خان و در سمت شمالی شهر است نزول نمود؛ و بالاخره قلعه‌داران امان خواستند و قلعه مفتوح شد.[۴۰]

آثار خیر گنج‌علی‌خان در شهرهای دیگر منحصر به باغها و زمینهای کشاورزی نبوده است. آثار او در خارج از ایران امروز (در مرزهای کنونی افغانستان) نیز، به ظن قوی، به باغ عباس‌آباد قندهار محدود نمی‌شود. دلیل آن نخست حکومت شش‌ساله‌اش بر قندهار است، که با سابقه‌ای که در آباد کردن ولایت کرمان داشته، در آنجا نیز به آبادانی پرداخته است. دوم، نقل قولی است از اشرف افغان دربارهٔ خیرات گنج‌علی‌خان در هرات و کابل و قندهار که در *رستم التواریخ* آمده است و امروز اطلاعی از آنها در دست نیست. نویسندهٔ *رستم‌التواریخ*، که خود را از منتسبان گنج‌علی‌خان می‌خواند، در حکایتی آورده است که برای خلاصی از مرگ نسبت خود با گنج‌علی‌خان را به اشرف افغان می‌گوید و او از خونش در می‌گذرد:

اشرف‌خان از من پرسید: «تو از چه سلسله می‌باشی؟» علی قلی، غلامش، عرض کرد که «این مرد برادر امیر شمس‌الدین محمد کارخانهٔ آقاسی گنج‌علی‌خانی می‌باشد.» اشرف‌خان فرمود: «تو از خانوادهٔ بزرگی

می‌باشی. مرحوم گنج‌علی‌خان بر اهل هرات و قندهار و کابل حقوق بسیار دارد و عمارات عالیهٔ آن حدود مذکوره از آن خدایگان مرحوم است.»[۴۱]

۳. علی‌مردان‌خان و آثار او

۳-۱. علی‌مردان‌خان در ایران و هند

چنان‌که پیش‌تر آمد، شاه عباس علی‌مردان‌خان را، چون پدرش گنج‌علی‌خان، محترم می‌داشت و او را «بابای ثانی» می‌خواند. علی‌مردان‌خان تا پایان حکومت شاه عباس والی قندهار و کرمان بود. او در ابتدای حکومت شاه صفی نیز همچنان از معتمدان شاه و دولت صفوی بود و حکومت مناطق پیشین را در دست داشت؛ اما چندی بعد، شاه صفی گرفتار مالیخولیا و باده‌گساری شد و به کشتار گستردهٔ بزرگان و صاحب‌منصبان دست زد. او حتی امام‌قلی‌خان، سردار بزرگ دولت صفوی، را به کام مرگ فرستاد و دودمانش را بر باد داد.[۴۲] در همین زمان بود که میرزا طالب اردوبادی، داماد گنج‌علی‌خان و شوهرخواهر علی‌مردان‌خان، به قتل رسید. میرزا طالب، پسر حاتم‌بیگ، وزیر کرمان در زمان ولی‌خان و بیگتاش‌خان بود که در دربار شاه عباس نیز به وزارت رسید. او نیز در دربار شاه عباس و شاه صفی مقامی بلند داشت. خاندان میرزا طالب همگی قربانی جریان قتل عام خاندانهای بزرگ وابسته به دربار صفوی شدند.

در این میان، علی‌مردان‌خان نیز گرفتار سعایت میرزا تقی مازندرانی (ساروتقی) صدر اعظم شد و شاه صفی او را به دربار خواست. علی‌مردان‌خان که می‌دانست احضارش به پایتخت نقشه‌ای برای قتل اوست، و نیز از آنجا که سالها مالیات قندهار و کرمان را نفرستاده بود، قندهار را به شاه جهانِ گورکانی تسلیم کرد و همهٔ اموال منقول خود را برداشت و به هند رفت.[۴۳] پس از این واقعه، خاندان گنج‌علی‌خان در کرمان و دیگر مناطق ایران مغضوب و جز چند تنی به‌کلی نابود شدند.[۴۴]

علی‌مردان‌خان در دربار هنرپرور گورکانیان هند احترام بسیار دید و از مشاوران برجسته و نزدیکان شاه جهان شد. او مهندسی کاردان بود و در قلمرو ایران و هند آن روزگار (ایران، افغانستان، پاکستان، و هند امروزی) آثار مهمی از خود به جا نهاد. در برخی از منابع، از او با عنوان بزرگ‌ترین مقام اجرایی‌ای که در خدمت پادشاهان گورکانی بوده یاد شده است.[۴۵] علی‌مردان‌خان از جانب دربار گورکانیان به حکومت کشمیر و لاهور رسید.[۴۶] او را پس از مرگ در لاهور به خاک سپردند.[۴۷]

۳-۲. علی‌مردان‌خانِ بانی

مهم‌ترین آثاری که از علی‌مردان‌خان به یادگار مانده چنین است: باغ نظر در قندهار؛ محلهٔ علی‌مردان‌خان در کابل؛ پل علی‌مردان‌خان در کابل؛[۴۸] شبکهٔ آب دهلی. در خصوص مورد اخیر، علی‌مردان‌خان برای آب‌رسانی به دهلی آبراهی طراحی کرد که به واسطهٔ آن هر خانه‌ای می‌توانست از منبع آب و حوض و فواره‌های اختصاصی خود استفاده کند. از این شبکه، که تا حدودی تغییر شکل یافته است، تا امروز نیز در مناطق دهلی کهنه بهره‌برداری می‌شود.[۴۹] اما مهم‌ترین اثر علی‌مردان‌خان، که ارزشی جهانی دارد، باغ شالیمار در لاهور است.

۳-۳. باغ شالیمار در لاهور

باغ شالیمار شاهکار علی‌مردان‌خان و از اوجهای درخشان باغ‌سازی دورهٔ اسلامی است. بیشتر کسانی که به معرفی باغ شالیمار لاهور پرداخته‌اند باغ را حاصل نبوغ علی‌مردان‌خان در مهندسی باغ و تأسیسات آبی دانسته‌اند. با این حال، نباید از اهمیت بستری که زمینهٔ شکوفایی این استعداد را فراهم آورد غافل شد. باغ شالیمار در محیطی پدید آمد که بیش از دو قرن پیشینهٔ حمایت از آفرینشهای هنری را در کارنامه داشت. افزون بر آن، میراثی که از عهد تیموری به سلسلهٔ گورکانی رسیده بود باغ و باغ‌سازی را در رأس علایق و دغدغه‌های هنری فرمانروایان این ناحیه قرار می‌داد. در چنین اوضاع و احوالی، علی‌مردان‌خان با پشتیبانی شاه جهان گورکانی و با بهره‌گیری از دانشی که در مهندسی باغ و تأسیسات آبی در ایران کسب کرده بود، اثری آفرید که به‌درستی نقطهٔ اوج باغ‌سازی تیموری و گورکانی بود.

تیمور به همان اندازه که به جنگ و کشورگشایی اهتمام می‌ورزید به باغ و باغ‌سازی نیز علاقه داشت. حکایت باغهای افسانه‌ای سمرقند، که در نوشته‌های مورخان و جهانگردان همعصر تیمور و دوره‌های متأخر به تفصیل آمده، تا قرنها بعد موضوع آفرینشهای هنری هنرمندانی شد که درصدد بر آمدند جلوه و شکوه این باغها را

در قالب نقاشی یا در عالم واقع به تصویر بکشند. تیمور در اطراف و نزدیکی سمرقند، پایتخت خود، به احداث حلقه‌ای از باغهای سلطنتی مبادرت ورزید. این تفرجگاهها عبارت بود از باغ شمال، باغ ارم، باغ بهشت، باغ چنار، باغ دل‌گشا، باغ نو، باغ جهان‌نما، باغ نقش جهان، باغ تخت قراچه، باغ دراز و باغ قراتوپه. به‌علاوه، کمربندی از باغ به وجود آورد و نامهای شهرهای معروف اسلامی، از قبیل قاهره و دمشق و بغداد و سلطانیه و شیراز، را بر آنها نهاد. این باغها سمرقند را احاطه کرده بودند.[۵۰] (ت۴)

شرح جزئیات طراحی این باغها همراه با کیفیت زندگی جاری در این محیط در سه منبع همعصر تیمور و در خاطرات بابر (*بابرنامه*)، خلف تیمور و بنیان‌گذار پادشاهی گورکانیان هند، به‌تفصیل آمده است.[۵۱] اکنون همهٔ این باغها از میان رفته است؛ اما تلاش جانشینان تیمور برای تحقق دوبارهٔ آنها در سرزمینهای تحت حکومتشان، و شرحها و تصویرهایی که مورخان و هنرمندان دربار این پادشاهان از موضوع باغ در عصر تیمور و جانشینانش به جا نهاده‌اند تداوم این علاقه را در قالب سنت قوی باغ‌سازی در سده‌های نهم و دهم و یازدهم هجری به‌خوبی نمایان می‌کند. هیچ‌یک از جانشینان تیمورهمچون او خون‌خوار و جنگجو نبود. قلمرو تیمور پس از او بین فرزندانش تقسیم شد و پادشاهان سلسلهٔ تیموریان تا یک قرن بعد در میان جنگ و نزاع دائمی خودی و بیگانه بر ایران حکم راندند. وجه اشتراک این پادشاهیهای کوچک با یکدیگر و با سلفشان علاقهٔ همهٔ آنان به طراحی و احداث و تصویر کردن باغ بود. از جملهٔ افراد این خاندان، الغ‌بیگ در سمرقند چند باغ جدید ساخت و به تجهیز باغهای تیمور با کوشکها و عمارات زیبا همت گماشت. شاهرخ و سلطان حسین بایقرا نیز به آبادانی هرات پرداختند. ظهیرالدین محمد بابر، نوادهٔ دیگر تیمور، در ۹۳۲ق/ ۱۵۲۶م سلسلهٔ گورکانیان هند را در دهلی بنیاد کرد. بابر علاقهٔ بسیاری به باغ و باغ‌سازی داشت. بخش مهمی از اطلاعات ما دربارهٔ باغهای تیمور از خلال خاطرات بابر در *بابرنامه* به دست آمده است. او خود همهٔ باغهای منطقهٔ سمرقند تا هرات و مناطق دیگر را دیده بود و بر اساس مشاهدات خویش شرح مفصل بسیاری از این باغها نوشت. پیش از فتح هند، ۲۲ سال بر کابل و قندهار حکومت کرد و سخت دل‌بستهٔ کابل بود. به همین

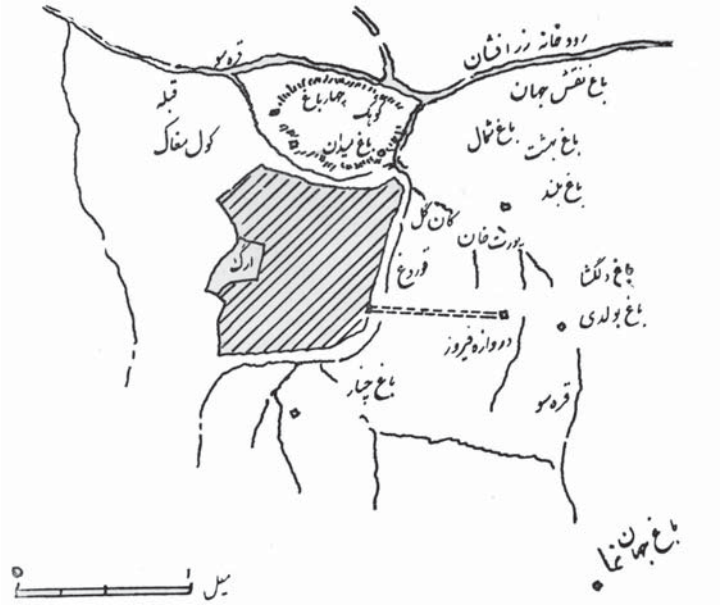

ت۴. باغهای سمرقند در ابتدای قرن نهم/ پانزدهم. مأخذ: ویلبر، *باغهای ایران و کوشکهای آن*

سبب، در دورهٔ حکومت در کابل و پنج سال حکومت در آگره[۵۲] با جدیت به آبادانی باغهای گوناگون، به‌ویژه در کابل، اهتمام کرد. ظاهراً بابر مهندسی لایق بوده و طراحی و مهندسی باغهایش را خود به عهده داشته است.[۵۳] بر اساس شرحهایی که از باغهای تیمور و بازماندگان او در دست است، اصول مشترکی بر طراحی و ساخت این باغها حاکم بوده است؛ از جمله: محصور بودن باغ با دیوارهای بلند؛ چهارگوش بودن باغ؛ تقسیم سطح باغ به چهار بخش اصلی (چهارباغ)؛ قرار گرفتن کوشک در مرکز باغ؛ انتخاب زمینهای شیب‌دار برای ساخت باغ یا ایجاد شیب مصنوعی برای اطمینان یافتن از جریان مناسب آب. در میان این باغها، هم باغ میوه بود و هم باغ تفرج. باغهای سمرقند و هرات تأثیر بسیاری در هنر باغ‌سازی مناطق هم‌جوار کرد و به شرق و غرب نیز راه یافت. بابر خود ساخت این‌گونه باغها را در هندوستان متداول کرد. از سوی دیگر، باغ در غرب هند، در نجد ایران، شکلی خاص به خود گرفت که جنبه‌های جدیدتر آن نیز به هندوستان راه یافت.[۵۴] باغهایی که بابر در کابل بنا کرد حال‌وهوایی مشابه باغهای سمرقند و هرات داشت. در سال ۹۳۳ق/ ۱۵۲۶م که بابر در آگره اقامت گزید، برای ساخت و توسعهٔ باغها در آن منطقه با مشکلات بسیاری روبه‌رو شد. به سبب کمبود نهرهای دائمی و زمینهای سست و محدودیتهای آب‌وهوایی، لازم بود تمهیدات متفاوتی برای ساخت باغ بیندیشند. بر این اساس، فراهم آوردن منبعی برای جاری کردن آب

ت۵. (راست) باغ سرینگر، دید از شمال شرقی به جنوب غربی. شاه‌نهر پس از خروج از باغ به دریاچهٔ دال می‌رسد. این مسیر در گذشته تنها راه باغ بود. در پس تصویر، سردر باغ از سمت دریاچه دیده می‌شود. مأخذ: www.corbis.com

ت۶. (چپ) باغ سرینگر، عمارت برادری (زنانه) در سومین سطحهٔ باغ. مأخذ: http://archnet.org

از مهم‌ترین مقدمات طرح و ساخت باغ در شمال هند بود. از سوی دیگر، گونه‌های گیاهی متنوع و متراکمی که در باغهای ماوراءالنهر و خراسان پرورش می‌یافت قابل انتقال به باغهای هند نبود. بدین‌سان، الگوی پیشین در شمال هند را به محوطه‌ای وسیع با آب جاری فراوان تغییر شکل دادند و با درختان کم‌تراکم و گلها آراستند.[۵۵] با این همه، اقدامات بابر برخی از مهم‌ترین ویژگیهای باغهای تیموری، از جمله طرح چهارباغ، استفاده از آب جاری، و قرینه‌سازی در طراحی باغ، را بر باغهایی که از آن پس در شمال هند ساخته شد حاکم کرد. این الگوی جدید در میان فرزندان بابر پیوسته به کار گرفته و کامل‌تر شد و در باغهای همایون، اکبرشاه، جهانگیر، و شاه جهان ثمره‌های عالی به بار آورد.

در چنین محیطی، علی‌مردان‌خان دست به کار طراحی و ساخت باغ شالیمار لاهور شد. اندیشهٔ ساخت چنین باغی ریشه در دوران کودکی شاه جهان داشت. پدرش، جهانگیر، باغی به همین نام در کشمیر ساخته بود که اقامتگاه تابستانی خانوادهٔ سلطنتی بود. درهٔ کشمیر از قدیم ییلاق پادشاهان گورکانی بود و ایشان، یکی پس از دیگری، در زیباترکردن این منطقه با باغها و کوشکهای متعدد، مطابق سنت پیش‌گفته، کوشیدند. هنگامی که جهانگیر باغ شالیمار کشمیر را می‌ساخت، شاه جهان کودکی بیش نبود. باغهای کشمیر بسیار زیباتر از نمونه‌های پیشین در آگره و دهلی و لاهور بود و شاه جهان بر آن بود تا با ساختن باغی باشکوه، زیبایی این باغ و منطقهٔ کشمیر را در لاهور نیز بازنماید. بدین‌سان، علی‌مردان‌خان، که حاکم منصوب شاه جهان در لاهور بود، ساخت باغ شالیمار لاهور را آغاز کرد.

باغ شالیمار مهم‌ترین اثر علی‌مردان‌خان و مشهورترین باغ امپراتوری گورکانیان هند است. افزون بر مهندسی پیچیده و خلاقانهٔ باغ و تأسیسات آبی آن، مجموعه‌ای غنی از بناهای سبک شاه جهانی (ساخته از مرمر سفید) در محوطه برپا شده است. این اثر ارزشمند، که در لاهور، مرکز ایالت پنجاب پاکستان، جای دارد، در سال ۱۹۸۱م به همراه ارگ لاهور[۵۶] در شمار محوطه‌های میراث جهانی ثبت شد.

از جملهٔ عوامل متعددی که بر طراحی و ساخت باغ شالیمار لاهور مؤثر بوده است، تأثیر باغ شالیمار[۱] کشمیر نمایان‌تر است. این باغ هم‌اکنون در حومهٔ شهر سرینگر،[۲] مرکز ایالت کشمیر هند، واقع است. در میان باغها و کاخهای گوناگون و زیبای درهٔ کشمیر، باغ شالیمار سرینگر به لحاظ ترتیب و طرح‌اندازی محیط و هدایت مناسب آب، کارآمدتر وچشم‌گیرتر از کار در آمد. این باغ را در جوار دریاچه‌ای به نام دال ساختند، که در گذشته تنها راه دسترس به باغ بود و زیبایی باغ را دوچندان می‌کرد.

باغ سرینگر را بر اساس الگوی باغ گورکانی ساختند. این باغ متشکل از سه حیاط پی‌درپی است که به‌ترتیب به استفادهٔ عمومی، امور دربار، و حرم شاه اختصاص داشت. گذشته از عمارتهای زیبا، شاخصهٔ باغ سرینگر کیفیت بهره‌گیری از آب روان برای تأکید

(1) Shalimar/ Shalamar

(1) Srinagar

بر هندسهٔ باغ، تقویت نقاط کانونی، برجسته کردن شکوه بناها، و تلطیف محیط از طریق سلسله‌ای از نهرها و استخرها و آبشارها و فواره‌ها بود. این ویژگی، چنان‌که خواهیم دید، منبع الهام طراحی فضا و عمارتها در باغ لاهور شد (ت۵ و۶).[۵۷]

باغ شالیمار لاهور در شش‌کیلومتری شمال شرقی شهر، در جوار بزرگراه اصلی لاهور، قرار گرفته است. مجموعهٔ باغْ مستطیلی کشیده متشکل از سه حیاط است که آنها را در سه تراز مختلف ساخته‌اند؛ به شکلی که حیاط جنوبی در بالاترین تراز قرار گرفته است. در ۱۰۴۹ق/ ۱۶۳۹م، علی‌مردان‌خان، حاکم لاهور،[۵۸] از شاه جهان برای ایجاد نهری عظیم که آب را از رود راوی به شهر لاهور بیاورد کسب اجازه کرد. با این اثر برجسته، به نام شاه‌نهر[۵۹]، آب را از محلی در ۱۶۰کیلومتری لاهور، به نام راجپور، که رود راوی در آنجا از کوه به دشت وارد می‌شود، به لاهور آوردند. گفته‌اند که علی‌مردان‌خان شاه‌نهر را به یاری معماری ایرانی به نام ملّا علاءالمُلک تونی[۶۰] ساخت که در امور مهندسی آب خبره بود. گفته‌اند که علاءالملک در ساخت باغ نیز علی‌مردان‌خان را همراهی کرد. شاه‌نهر را به نامهای دیگری چون نهر علی‌مردان‌خان[۶۱] و رود خندان[۶۲] نیز خوانده‌اند. ساخت شاه‌نهر لاهور دو سال به طول انجامید. در ۱۰۵۱ق/ ۱۶۴۱م، پس از تکمیل نهر، شاه جهان علی‌مردان‌خان را مأمور کرد برای احداث باغی نو محلی مناسب بیابد. علی‌مردان‌خان و همکارانش محل باغ را در منطقه‌ای معروف به باغبان‌پوره (در زبان اردو به معنی شهر باغها) یافتند. این منطقه در تملک یکی از خاندانهای اشراف قدیم لاهور، معروف به خاندانِ میانِ باغبان‌پوره، بود. اصرار مهندسان باغ برای تصرف محل سبب شد که اسحاق پوره، بزرگ خاندان، باغ خود را در آن مکان به شاه جهان ببخشد. در عوض شاه جهان نیز به این خانواده لقب «میان» بخشید و حکومت باغ و منطقهٔ باغبان‌پوره را در خاندان ایشان موروثی کرد.[۶۳] احداث باغ به سرپرستی خلیل‌الله‌خان در ربیع‌الاول ۱۰۵۱ق آغاز شد و پس از پانزده ماه در شعبان ۱۰۵۲ق به پایان رسید.[۶۴]

باغ شالیمار به شکل مستطیلی با کشیدگی شمالی ـ جنوبی در سه تراز طرح‌ریزی شده که به سمت جنوب ارتفاع می‌یابد. ورودی باغ در شمالی‌ترین حیاط و پایین‌ترین

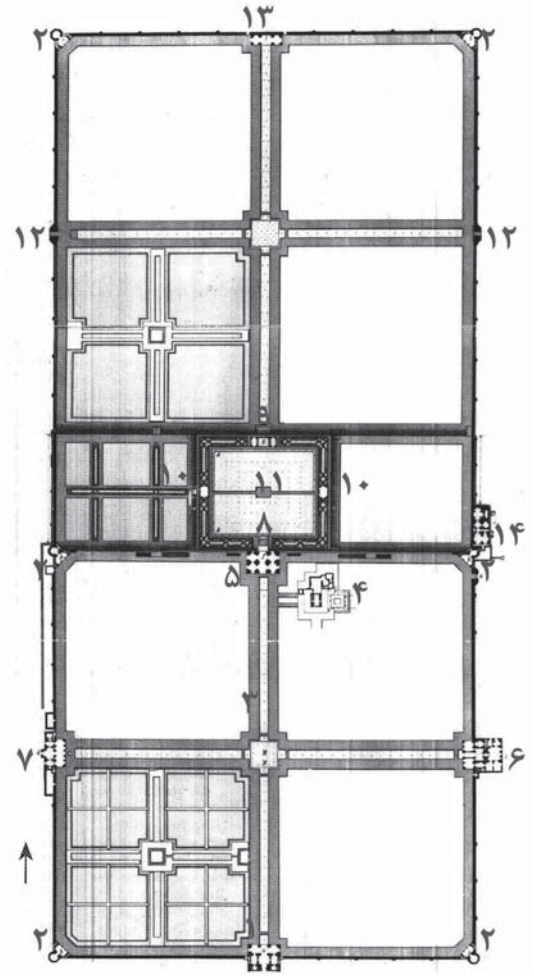

ت۷. باغ شالیمار لاهور. (۱) مقبره (سردر کنونی باغ)، (۲) برج، (۳) شاه نهر، (۴) عمارت سینگ، (۵) دیوان، (۶) دیوان خاص و عام، (۷) خوابگاه بیگم صاحب، (۸) تخت مرمر، (۹) ساوان بهادون، (۱۰) کوشکهای برادری، (۱۱) مهتابی، (۱۲) سردر، (۱۳) دولت‌خانهٔ خاص، (۱۴) حمام. مأخذ: Sikander, *The Shalamar*

تراز واقع است. آب رود راوی از شمال و شرق به باغْ هدایت و از جنوب (بالاترین تراز)، از زیر بنای مقبره وارد باغ می‌شود. طول ضلع بزرگ و کوچک باغ به ترتیب ۶۵۸ و ۲۵۸ متر است. دیواری از ماسه‌سنگ سرخ محوطه را فراگرفته و دو حیاط نیز در جنوب غربی و جنوب شرقی به باغ پیوسته است. باغ شالیمار متشکل از دو حیاط مربع‌شکل در جنوب و شمال و یک حیاط کوچک کشیده در میان آنهاست. حیاط جنوبی ورودی و بخش عمومی باغ بود و آن را فیض‌بخش می‌خواندند؛ و حیاط شمالی و میانی مخصوص خانوادهٔ سلطنتی بود. در مناسبتهای خاص، از حیاط میانی برای برگزاری تشریفات و مراسم ویژه استفاده می‌کردند. حیاط شمالی را فرح‌بخش می‌خواندند. در متون تاریخی همواره از باغهای شالیمار با نامهای فیض‌بخش و فرح‌بخش یاد شده و معلوم نیست نام شالیمار را کِی بر آن نهاده‌اند.[۶۵]

ت۸. (چپ) دیوان. مأخذ: www.flickr.com

ت۹. (راست) ساوان بهادون (چینی‌خانه). مأخذ: www.corbis.com و www.flickr.com

بناهای باغ عبارت است از مقبره، دیوان خاص و عام، خوابگاه بیگم‌صاحب، ایوان بزرگ، نگارخانه، دو بنای برادری، عمارت ساوان بهادون[۳]، دولت‌خانهٔ خاص، حمام، دو دروازه، و شش برج (ت۷). محوطهٔ باغ شالیمار را، مطابق الگوی رایج باغهای گورکانی، دیوار بلند کنگره‌داری احاطه کرده است. در قسمت داخلی دیوار، طاق‌نماهایی کوچک و بزرگ ایجاد کرده‌اند و در چهار گوشهٔ مجموعه چهار برج ساخته‌اند. بالای برجها به اتاقکهایی هشت‌گوش ختم می‌شود. کل باغ سه حیاط یا سه سطحه دارد، که نهری میانی در جهت شمالی ـ جنوبی در آنها جاری است. ورودی باغ در اصل دو سردر باشکوه در جوانب شرقی و غربی سطحهٔ شمالی بوده است؛ اما امروز به سبب ساخت شاهراه لاهور، ورود به مجموعه از طریق مقبره، واقع در مرکز ضلع جنوبی مجموعه، صورت می‌گیرد. اختلاف تراز کف سطحهٔ شمالی با سطحهٔ میانی ۴/۵ متر، و اختلاف سطحهٔ میانی با سطحهٔ جنوبی ۱/۵ متر است. هریک از سه سطحه به واسطهٔ سه محور فرعی عمود بر محور اصلی به چهار بخش مساوی تقسیم می‌شود. بر اساس شواهد، ظاهراً در اصل، هریک از این چهار قسمت نیز خود به چهار بخش خردتر تقسیم می‌شده است.

(3) Savan Bhadun

(4) Ranjit Singh (1799-1839)

عرض شاه‌نهر ۶ متر است و ردیفی از فواره‌ها، از جنس ماسه‌سنگ سرخ و مرمر، در آن کار گذاشته‌اند. در مرکز هر سطحه، استخری تعبیه کرده‌اند. استخر سطحهٔ میانی و بناهای پیرامون آن را می‌توان زیباترین بخش باغ دانست. معبر اصل باغ، که «خیابان» خوانده می‌شد، در دو سو درختان چنار و تبریزی و سرو داشت.[۶۶] به نوشتهٔ مورخان همعصر شاه جهان، در این باغ درختان میوهٔ چهارفصل از اقلیمهای مختلف، شامل انبه، گیلاس، هلو، زردآلو، گلابی، توت، آلو، بادام، سیب، به، انواع پرتقال، و نیز انواع گل، شامل گل سرخ، لاله، زنبق، سوسن، نرگس، یاسمن، کاشته بودند. گفته‌اند که سطحهٔ میانی گلستانی بود خاص گل سرخ.

سطحهٔ جنوبی نُه عمارت دارد؛ چهار بنا در مرکز اضلاع چهارگانهٔ حیاط، چهار برج در گوشه‌ها، و بنایی در شمال حیاط و در نزدیکی عمارت میانهٔ ضلع شمالی. بنای اخیر را رانجیت سینگ[۴] در اوایل قرن نوزدهم ساخت. در مرکز ضلع جنوبی، مقبره جای دارد که امروز ورودی مجموعه است. این عمارت سه اتاق دارد، که اتاقهای جانبی دوطبقه است و اتاق میانی فواره دارد. در ضلع شمالی مقبره ایوان سه‌طرفهٔ عمیقی واقع است.

سطحهٔ جنوبی به واسطهٔ دیواری آجری از دو سطحهٔ دیگر جدا شده است. بالای این دیوار در اصل به شبکهٔ زیبایی از مرمر ختم می‌شد، که امروز نرده‌ای سفالی جای آن را گرفته است. عمارت دیوان در مرکز این دیوار قرار دارد. دیوان عمارتی رواق‌دار، مشرف به دو سطحهٔ میانی و شمالی است، که برای مقاصد تشریفاتی از آن استفاده می‌کردند (ت۸). این عمارت،

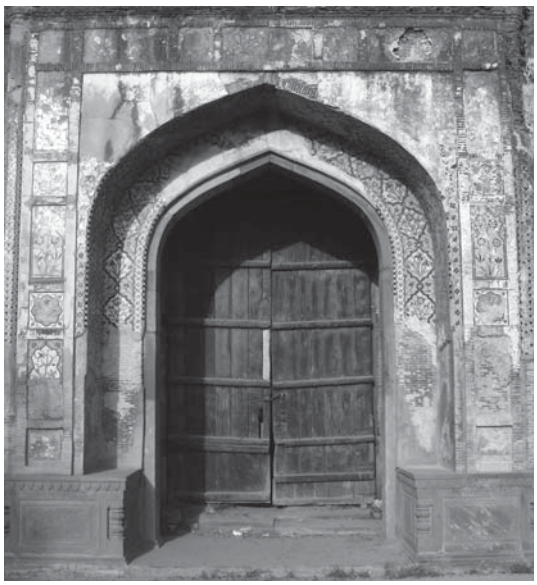

ت۱۰. (چپ، بالا)
کوشک برادری (شرق).
در پس تصویر، دیوان
دیده می‌شود که هم‌تراز
سطحهٔ میانی و ۴/۵ متر
بالاتر از سطحهٔ اول
است. مأخذ:
www.flickr.com

ت۱۱. (راست)
کاشی‌کاری دروازه‌ها.
مأخذ:
www.corbis.com و
www.flickr.com

ت۱۲. (چپ، پایین)
کاشی‌کاری دروازه‌ها.
مأخذ:
www.corbis.com و
www.flickr.com

که در گذشته مزین به دیوارنگاره‌هایی زیبا بوده است، زیرزمینی دارد که سقف آن را بعدها آیینه‌کاری کرده‌اند. دو پلکان از سنگ مرمر سرخ در دو طرف ایوانِ این عمارتْ سطحهٔ جنوبی را به بخش میانی سطحهٔ مرکزی مرتبط می‌کند. در دو طرف این پله‌ها، دو شیب‌راهه به بخشهای شرقی و غربی سطحهٔ میانی می‌رسد. عمارت دیگر در سطحهٔ جنوبی دیوان خاص و عام، واقع در میانهٔ ضلع شرقی این سطحه، است. در مقابل این عمارت، در بیرون دیوار اصلی و در دل حیاطی مجزا، عمارتی بود به نام نگارخانه. امروز کل این محوطه را به همین نام می‌شناسند. در میانهٔ ضلع غربی این سطحه، خوابگاه بیگم‌صاحب واقع است. در برخی از منابع، این عمارت را متعلق به همسر شاه و در برخی دیگر آن را متعلق به دختر بزرگ او دانسته‌اند. شاه‌نهر از زیر عمارت ایوان وارد حیاط میانی می‌شود، به آبشاری از مرمر سیاه می‌رسد، و به استخر مرکزی می‌انجامد. این استخر منبع آب عمارت ساوان بهادون و فواره‌های ایوانک میانی بود. سرریز آب استخر از دو آبشار شرقی و غربی به نهرهای حیاط میانی می‌ریخت؛ اما ادامهٔ مسیر شاه‌نهر در جهت شمال از درون ساوان بهادون می‌گذشت و در جهت شمال به حیاط انتهایی می‌رسید. شاه‌نهر در خاتمهٔ مسیرش از جبههٔ شمالی باغ خارج می‌شد و مرغزارها و بستانهای اطراف را آبیاری می‌کرد.

سطحهٔ میانی، با استخر عظیم و عمارتهای پیرامونش، چشم‌نوازترین بخش باغ شالیمار است. در شمال ایوان و در جنوب استخر، تختگاه مرمرین سلطنتی مستقر شده، که مشبک سنگی دست‌اندازهایش را با هنرمندی کنده‌کاری کرده‌اند. پادشاه گورکانی در مناسبتهای خاص بر این تخت می‌نشست. در ضلع شمالی استخر، دو اتاقک مرمرین مسقف در دو طرف حوضی عمیق بنا شده است. در سه جانب این حوض حفره‌هایی ظریف، به شکل چینی‌خانه، تراشیده‌اند. در طول روز حفره‌های چینی‌خانه را با جامهای گل می‌آراستند و شبها در آن شمعهای عودآجین می‌افروختند. ضلع چهارمِ

ت۱۳. علی‌مردان‌خان.
مأخذ:
Bāgir, *Lahor, Past and Present*, p. 382.

حوض باز بود؛ و بدین‌سان در شباهنگام، تابش نورشمعها بر سطح آب سلسله‌ای بی‌پایانی از نورهای الوان و لرزان پدید می‌آورد (ت۹). بر دو لبهٔ شرقی و غربی استخر، کوشکهای معروف به برادری از ماسه‌سنگ سرخ بنا شده است. از این دو، مسیری از ماسه‌سنگ سرخ از دو سو به مهتابیِ میان آب می‌رسد (ت۱۰). مهتابی در اصل با مرمر سفید فرش شده بود و پیرامون آن مشبکهای مرمرین تعبیه کرده بودند. در جانب دیوار شرقی سطحهٔ میانی، نزدیک به گوشهٔ جنوب شرقی، حمام قرار دارد، که بخشهای گوناگونی داشته است. برای فراهم آوردن آب حمام و فواره‌های شمالی، به جای شاه‌نهر از چاه و مخازن آبی استفاده می‌کردند که در بیرون از باغ بر ارتفاعی مستقر شده بود.

باغ شالیمار در مجموع ۴۱۰ فواره داشته است: ۱۰۵ فواره در سطحهٔ جنوبی، ۱۵۲ فواره در سطحهٔ میانی، و ۱۵۳ فواره در سطحهٔ شمالی. سطحهٔ شمالی، که تراز آن شش متر پایین‌تر از سطحهٔ جنوبی است، طرحی مشابه سطحهٔ جنوبی دارد؛ با این تفاوت که گذشته از دو سردر محوطه، تنها یک بنا در جبههٔ شمالی دارد، به نام دولت‌خانهٔ خاص. دروازه‌ها تنها اجزای باغ است که با کاشی مزین شده است (ت۱۱و۱۲).

خاتمه

باغ شالیمار لاهور اگرچه زیباترین باغ گورکانیان هند است، با سلف خود، باغ سرینگر، شباهتی انکارناپذیر دارد. سلسله‌مراتبی از سطحه‌ها که در ترازهای مختلف واقع‌اند و به واسطهٔ دیوارهایی از یکدیگر جدا می‌شوند، الگوی باغی با سه حوزهٔ عمومی و سلطنتی و حرم، طرح متقارن به شیوهٔ چهارباغ، حیاطهای مربع‌شکل، استخرهای بزرگ در کانون فضاها، مسیرهای پیاده و ترتیب و تنوع درختان، آبشارها و فواره‌ها که زیبایی محیط را دو چندان و هوای گرم را تلطیف می‌کند، و عمارتهای مرمرین حاصل میراث باغ‌سازی گورکانی است که در دو باغ شالیمار سرینگر و لاهور، و بعدها در باغ شالیمار دهلی، به زیبایی تجسم یافت. وجه تمایز باغ شالیمار لاهور این بود که میراث مهندسی ایرانی در باغ و باغ‌سازی در الگوی متعارف منطقه روحی تازه دمید.

باغ‌سازی در ایران حاصل تداوم تلاش هوشمندانه و سرسختانهٔ ساکنان این سرزمین برای رفع ضرورت است که در عالی‌ترین ظهور خود صورت هنر یافته است. در کویر کرمان، آبادانی به معجزه‌ای می‌مانْد که به واسطهٔ حفر دهها رشته قنات از دامنهٔ کوهها میسر شده بود؛ قناتهایی که به‌طور میانگیْن آب را از فاصلهٔ پنجاه‌کیلومتری به شهر می‌آوردند. ساخت باغ در چنین محیطی نه از سر تفنن، که لازمهٔ زیست بود. ساکنان این شهر کهن و حاکمان خردمندی که در اندیشهٔ آبادی و رونق کرمان بودند، به واسطهٔ آبادانی باغهای بسیار در پیرامون و درون شهر خُرداقلیمی مناسب در مسیر قناتها فراهم کردند تا زندگی در اقلیم بی‌رحم کویر را ممکن سازند.

گنج‌علی‌خان یکی از این حاکمان خردمند بود، که در راه احیا و توسعهٔ باغها و قناتهای کرمان اهتمام بسیار کرد. علی‌مردان‌خان نیز، همچون پدر، همواره دست اندر کار آبادانی و میراث‌دار دانش شگفت‌انگیز مهندسی آب در ایران بود. او از اقلیمی برخاسته بود که آب را در طول دهها کیلومتر با تحمل مشقت حفر چاههای متعدد و آبراههای طویل زیرزمینی به شهر می‌آوردند. با چنین پیشینه‌ای بود که او جرئت کرد آبراهی حفر کند و آب را از فاصلهٔ ۱۶۰کیلومتری به لاهور بیاورد. به پشتوانهٔ این آبراه بود که ساختن باغی زیباتر از باغهای افسانه‌ای کشمیر در اندیشهٔ شاه جهان شکل گرفت. بدین‌سان،

زیبایی و شکوه در باغ شالیمار نه از آنِ یک منطقه و یک فرهنگ؛ بلکه میراث مشترک فرهنگهای خراسان شمالی و ماوراءالنهر (آسیای مرکزی)، کشمیر، پنجاب، ایران، و هند است که با توانایی شگرف علی‌مردان‌خان آنها را در کالبدی واحد دمیده‌اند.□

کتاب‌نامه

احمدعلی‌خان وزیری. *جغرافیای کرمان*، تصحیح و تحشیهٔ محمدابراهیم باستانی پاریزی، تهران، ابن سینا، ۱۳۵۴.

اسکندربیک ترکمان. *تاریخ عالم‌آرای عباسی*، تصحیح ایرج افشار، تهران، امیرکبیر، ۱۳۵۰

باستانی پاریزی، محمدابراهیم. *گنج‌علی‌خان و خیرات او*، ادارهٔ کل فرهنگ و هنر استان کرمان، ۱۳۵۳.

رستم‌الحکما، محمدهاشم آصف. *رستم‌التواریخ*، تصحیح میترا مهرآبادی، تهران، دنیای کتاب.

رضاقلی‌خان هدایت. *تاریخ روضة الصفای ناصری*، تهران، اساطیر، ۱۳۶۸، ج۱۲.

سازمان میراث فرهنگی کشور. پروندهٔ ثبتی باغ بیرم‌آباد (ش ۲۲۶۹).

شاردن، ژان. *سیاحتنامهٔ شاردن*، ترجمهٔ محمد عباسی، تهران، امیرکبیر، ۱۳۴۵، ج ۸.

شاملو، احمد. *کتاب کوچه*، دفتر سوم، تهران، مازیار، ۱۳۷۹.

طباطبایی، سیدجواد. *دیباچه‌ای بر نظریهٔ انحطاط*، تهران، نگاه معاصر، ۱۳۸۰.

محمدحسن‌خان اعتمادالسلطنه. *مرآت البلدان*، تصحیح عبدالحسین نوایی و میرهاشم محدث، تهران، دانشگاه تهران، ۱۳۶۸، ج۴.

مستوفی، اسماعیل بن حبیب‌الله. *آثار الرضویه*، خط میرزا طاهر طبیب مشهدی، تصحیح میرزا عبدالعلی، تهران، چاپ سنگی، ۱۳۱۷ق.

ویکی‌پدیا، دانشنامهٔ آزاد. ذیل «بابر»، یافته در ۱۸:۰۶، ۲۹ آوریل ۲۰۰۸.

ویلبر، دونالد. *باغهای ایران و کوشکهای آن*، ترجمهٔ مهین‌دخت صبا، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، ۱۳۴۸.

Bāgir, Muhammad. *Lahor, Past and Present*, Lahor, Panjab University Press, 1952.

Gardens of the Mughal Impire, Available at http://www.mughalgardens.org/html/shalamar.html.

Sikander, Sattar. *The Shalamar: A Typical Muslim Garden*, Available at http://archnet.org/library/documents/one-document.jsp?document_id=4883.

Wescoat, James L. *Mughal Gardens and Geographic Sciences, Then and Now*, Available at http://archnet.org/library/documents/one-document.jsp?document_id=3851

http://www.gardenvisit.com/book/cm_villiers_stuart_gardens_of_the_great_mughals/chapter_6_gardens_of_the_plains_lahore/

shalimar_bagh_mughal__garden_lahore

http://archnet.org/library/sites/one-site.jsp?site_id=8861

Wikipedia contributors. "Lahore Fort", Wikipedia, *The Free Encyclopedia*, April 17, 2008, 08:57 UTC. Available at: http://en.wikipedia.org/w/index.php?title=Lahore_Fort&oldid=206204095. Accessed April 30, 2008.

———. "Shalimar Gardens (Lahore)", *Wikipedia, The Free Encyclopedia*, April 3, 2008, 12:33 UTC, Available at: http://en.wikipedia.org/w/index.php?title=Shalimar_Gardens_%28Lahore%29&oldid=203030225. Accessed April 30, 2008

———. "Ayub Khan", *Wikipedia, The Free Encyclopedia*, April 27, 2008, 18:39 UTC, Available at: http://en.wikipedia.org/w/index.php?title=Ayub_Khan&oldid=208575971. Accessed April 30, 2008.

———. "Mian Family Baghbanpura", *Wikipedia, The Free Encyclopedia*, April 6, 2008, 18:43 UTC, Available at: http://en.wikipedia.org/w/index.php?title=Mian_Family_Baghbanpura&oldid=203803803. Accessed April 30, 2008.

پی‌نوشتها:

۱. زیگ/ زیک نام یک خاندان قدیمی ایرانی ــ به قول صاحب *تاریخ عالم‌آرای عباسی*، از اقوام کرد ــ است. این نام در زمرهٔ خاندانهای معروف دوران ساسانی نیز ثبت شده است؛ نک: محمدابراهیم باستانی پاریزی، *گنج‌علی‌خان و خیرات او*، ص۳۳.

۲. در دورهٔ گنج‌علی‌خان، کارهای بسیار اساسی و مهمی در کرمان به انجام رسید؛ تمام راههایی که به دریا می‌رفت امن شد و تجارت رونق گرفت. با این همه، گنج‌علی‌خان در بیشتر جنگهای شاه عباس با پادشاهان ازبک و عثمانی نیز شرکت می‌کرد؛ نک: همان، ص۳۰-۳۲.

۳. همان، ص۲۹.

۴. اسکندربیک ترکمان، *تاریخ عالم‌آرای عباسی*، ج۲، ص۱۰۴۱.

۵. باستانی پاریزی، همان، ص۲۶.

۶. دورهٔ پیش از حکومت گنج‌علی‌خان مصادف بود با شورش طوایف ذوالقدر و افشار که به فتنهٔ بیگتاش‌خان مشهور است. ناامنی و بی‌ثباتی منطقه به سبب این شورشها و نیز حکومتهای ناپایدار پیش از آن باعث آشفتگی وضع کرمان و رکود اقتصادی و فقر مردم شده بود؛ نک: همان، ص۱۱-۲۶.

۷. همان، ص۳۷.

۸. گنج‌علی‌خان در سال ۱۰۳۴ق/ ۱۶۲۴م، شبی بر بام ایوان ارگ قندهار خوابیده بود، که از آنجا به پایین افتاد و درگذشت. پسرش علی‌مردان‌خان پیکر او را به مشهد برد؛ نک: همان، ص۳۲، و نیز اسکندربیک ترکمان، همان، ج۲، ص۱۰۴۱.

۹. همان‌جا.

۱۰. همان، ص۲۹، ۳۲-۳۳.

۱۱. باستانی پاریزی، همان، ص۴۹؛ اسماعیل بن حبیب‌الله مستوفی، *آثار الرضویه*، ص۱۲۴؛ پروندهٔ ثبتی باغ بیرم‌آباد، ص۱.

۱۲. باستانی پاریزی، همان، ص۴۹.

۱۳. پروندهٔ ثبتی باغ بیرم‌آباد، ص۱.

۱۴. همان، ص۴.

۱۵. مستوفی، همان، ص۱۲۴.

۱۶. همان‌جا.

۱۷. باستانی پاریزی، همان، ص۵۰.

۱۸. سواد احکام صادرهٔ علمای کرمان در باب تولیت موقوفات گنج‌علی‌خان، نسخهٔ خطی در کتابخانهٔ مرکزی دانشگاه تهران، نقل‌شده در باستانی پاریزی، همان، ص۵۰.

۱۹. احمدعلی‌خان وزیری، *جغرافیای کرمان*، ص۶۳.

۲۰. زمینی که بر آن عمارت نکرده‌اند، عرصهٔ فاقد اعیانی.ـــ احمد شاملو، *کتاب کوچه*، ج۳، ص۷۶۰۷.

۲۱. مستوفی، همان، ص۱۲۴.

۲۲. همان، ص۱۲۳.

۲۳. محلهٔ قطب‌آباد در شمال غربی شهر قدیم و در مجاورت محلهٔ یهودیان بوده است. این محله در دورهٔ قراختاییان شکل گرفته است.

۲۴. میدان ارگ کرمان در محل باغ نظر ساخته شده است.

۲۵. منطقه‌ای به نام باقرآباد ریگ در نزدیکی ایستگاه راه‌آهن کرمان قرار دارد و ارتباط احتمالی آن با این باغ نیازمند بررسی بیشتر است.

۲۶. *وقف‌نامهٔ گنج‌علی‌خان*، فصل چهارم، نقل‌شده در باستانی پاریزی، همان، ص۶۰.

۲۷. مستوفی، همان، ص۱۲۴.

۲۸. چاهها

۲۹. امروز «قناغستان» خوانده می‌شود.

۳۰. *وقف‌نامهٔ گنج‌علی‌خان*، فصل سوم، نقل‌شده در باستانی پاریزی، همان، ص۵۹.

۳۱. مستوفی، همان، ص۱۲۳.

۳۲. در گویش محلی «جو میّدی» خوانده می‌شود.

۳۳. *وقف‌نامهٔ گنج‌علی‌خان*، فصل چهارم، نقل‌شده در باستانی پاریزی، همان، ص۶۰.

۳۴. قنات مشهوری در کرمان به نام جوی مؤیدی.ـــ در گویش محلی «جو میّدی» که در جنوب شهر قرار داشته، ارتباطی با این محل ندارد.

۳۵. مستوفی،همان، ص۱۲۴.

۳۶. احمدعلی‌خان وزیری، همان، ص۱۸۲.

۳۷. باستانی پاریزی، همان، ص۸۶–۹۰.

۳۸. کامران‌میرزا در عهد حکومت برادرش همایون‌شاه گورکانی، همعصر شاه طهماسب صفوی، والی قندهار بود. همایون‌شاه در جنگ با افغانها به شاه طهماسب پناهنده شد و در نخستین منزل در باغهای هرات از او پذیرایی کردند. مورخان صفوی شرح این رویداد و چگونگی پذیرایی صفویان از او را به تفصیل نقل کرده‌اند؛ مثلاً نک: اسکندربیک ترکمان، همان، ج ۱، ص۹۶–۹۸؛ همچنین، محمدحسن‌خان اعتمادالسلطنه، *مرآت البلدان*، ص۱۱۰۸–۱۱۱۸.

۳۹. *مجمع التواریخ* مرعشی، ص۲۸۱، نقل‌شده در باستانی پاریزی، همان، ص۵۱.

۴۰. *منتظم ناصری*، ذیل وقایع سال ۱۰۵۹، نقل‌شده در باستانی پاریزی، همان، ص۵۰.

۴۱. محمدهاشم آصف رستم‌الحکما، *رستم‌التواریخ*، ص۵۵.

۴۲. مالیخولیا و شرب خمر مدام شاه صفی بسیاری از امیران و درباریان و خواجه‌سرایان و شاه‌زادگان و برخی از همسران او را به کام مرگ فرستاد؛ و در این میان برخی کارگزاران کارآمد کشوری و لشگری، مانند امامقلی‌خان (فرزند الله‌وردی‌خان)، سردار شاه عباس که با پرتغالیها جنگیده و بحرین و گمبرون و هرمز را از چنگ آنان بیرون آورده بود، از بین رفتند. شاه دستور داده بود پسران امامقلی‌خان را بکشند و سر آنان را پیش پدر ببرند و آن‌گاه او را نیز به قتل برسانند. شاه صفی بر هیچ‌یک از نوادگان امامقلی، که شمار ایشان به ۵۲ تن می‌رسید، رحم نکرد و همهٔ اموال آنان را ضبط و خاندانی خدمت‌گزار را نابود کرد. جالب آنکه امامقلی‌خان را دو داماد او، کلب‌علی بیگ و داودبیگ گرجی، کشتند؛ نک: سیدجواد طباطبایی، *دیباچه‌ای بر نظریهٔ انحطاط*، ص۲۴۴–۲۴۷.

۴۳. رضاقلی‌خان هدایت، *تاریخ روضة الصفای ناصری*، ج۱۲، ص ۶۸۹۸.

۴۴. شاردن در سفرنامه‌اش از شخصی به نام علی‌بیگ، پسر علی‌مردان‌خان، نام برده و باغی در محلهٔ خواجوی اصفهان را به او منسوب کرده است: «محلهٔ خواجو، که در حومهٔ شهر و به نام محلهٔ حسن‌آباد نیز خـوانده می‌شود، میان دروازهٔ حسن‌آباد، شمالاً، و خیابان زیبا[ی چهارباغ]، شرقاً، به سوی دست راست گسترده شده است. [...] معتبرترین عمارات که موقع ورود مشاهده می‌شود عبارت‌اند از: کاخ قاضی معز، [...] کاخ علی‌بیگ، پور علی‌مردان‌خان، حکمران قندهار که دژ قندهار را به شاه هندوستان تسلیم داشت. این کاخ بزرگی است که بخش ویژهٔ مردان [(بیرونی)] در آن از دو بنای اصلی بزرگ، یکی در جنوب، دیگری در شمال پدید آمده است و به وسیلهٔ باغی در میان آن دو از یکدیگر جدا شده است؛ نک: ژان شاردن، *سیاحتنامهٔ شاردن*، ج۸، ص۱۵و ۱۶.

45. http://www.gardenvisit.com/book/cm_villiers_stuart_gardens_of_the_great_mughals/chapter_6_gardens_of_the_plains_lahore/shalimar_bagh_mughal__garden_lahore.

46. ibid,; also see:
Sattar Sikander, “The Shalamar: A Typical Muslim Garden”

۴۷. باستانی پاریزی، همان، ص۵۰.

۴۸. دربارهٔ انتساب قطعی پل و محلهٔ علی‌مردان‌خان به او مدرکی به دست نیامد؛ اما چنان‌که باستانی پاریزی استنباط کرده است، بر اساس نام و موقعیت جغرافیایی، احتمال ساخت پل و محلهٔ یادشده به دست علی‌مردان‌خان بسیار است؛ نک: باستانی پاریزی، همان، ص۳۷.

49. http://www.gardenvisit.com/book/cm_villiers_stuart_gardens_of_the_great_mughals/chapter_6_gardens_of_the_plains_lahore/shalimar_bagh_mughal__garden_lahore.

۵۰. ویلبر، *باغهای ایران و کوشکهای آن*، ص۶۶.

۵۱. برخی از منابع باغها و اوضاع اجتماعی عصر تیمور: شرف‌الدین علی یزدی، *ظفرنامه* (۸۲۷ق/ ۱۴۲۴م)؛ ابن عربشاه، *عجایب المقدور فی النوایب التیمور* (۸۳۹ق/ ۱۴۳۶م)؛ کلاویخو (سفیر اسپانیایی پادشاه کاستل و لیون)، *سفرنامهٔ کلاویخو* (۸۰۶ق/ ۱۴۰۴م).
در حدود یک قرن بعد نیز بابر، مؤسس سلسلهٔ گورکانیان هند (۸۸۸–۹۳۷ق/ ۱۴۸۳–۱۵۳۰م)، همهٔ باغهای تیمور و جانشینانش را دیده و به تفصیل شرح داده است؛ نک: دونالد ویلبر، همان، ص۶۹.

۵۲. ظهیرالدین محمد بابر در سال ۸۹۹ق/ ۱۴۸۳م، در یازده سالگی، پس از فوت پدرش عمرشیخ، وارث حکومت فرغانه شد. قسمت اول عمر بابر در ناحیهٔ کوچک فرغانه گذشت؛ اما پس از هجوم شیبانی‌خان ازبک در سال ۹۱۰ق/۱۵۰۴م از آنجا بیرون رانده شد. بابر یازده سال با فرمانروایان ازبک و تاتار جنگید و چون ضعف خود را دید، رو به کابل و قندهار آورد و پس از تسخیر خراسان، ۲۲ سال در آنجا فرمان‌روایی کرد. بدین‌سان، دورهٔ دوم عمرش را از ۹۱۰ق/ ۱۵۰۴م تا ۹۳۱ق/ ۱۵۲۵م بر افغانستان امروز و بدخشان حکومت کرد و به فکر تسخیر هندوستان افتاد. با لشکری عظیم متشکل از ترک و تاتار و افغان به هندوستان حمله کرد . در سال ۹۳۲ق/ ۱۵۲۶م، ابراهیم لودی، آخرین امیر طایفهٔ لودیهٔ افغان را

که در دهلی سلطنت می‌کرد، شکست داد و بدین طریق امپراتوری بزرگ گورکانیان هند، معروف به امپراتوری مغولان هند، را تأسیس کرد و اعقاب او حدود ۳۵۰ سال بر سراسر یا بخشهایی از شبه قارهٔ هند حکم راندند. او پس از فتح پانی‌پات، که در آن سلطان ابراهیم لودی، پادشاه دهلی را به سختی شکست داد، در ۸ رجب ۹۳۲ق/ ۲۰ آوریل ۱۵۲۶م آگره و دهلی و شمال هندوستان را، از رود سند تا بنگال، به تصرف درآورد. او پس از پنج سال حکومت، در دهلی درگذشت؛ نک: «بابر»، *ویکی‌پدیا، دانشنامهٔ آزاد*.

۵۳. ویلبر، همان، ص۸۹ و۹۹.

۵۴. همان، ص۸۱ و۹۱؛ عقیدهٔ ویلبر دربارهٔ انتقال میراث باغ‌سازی تیموری به ایران و هند پذیرفتنی است؛ اما باید به این نکته توجه داشت که باغ محصول تمدن است و تیمور، که تنها حامل فرهنگ چادرنشینی در ابتدایی‌ترین شکل آن بود، نمی‌توانست در مدت کوتاه فرمانروایی‌اش بانی خلق محصولی به نام باغ تیموری شود. ناگفته پیداست که شکوه باغهای سمرقند حاصل میراثی کهن در این زمینه بود که تیمور بدان علاقه‌مند شدند و آن را به یاری مهندسان و هنرمندان خود در سمرقند پدید آوردند. چنین تمدنی را تیمور جز در نجد ایران نمی‌توانست دریابد. بنا بر این، باغ تیموری را باید نسخه‌ای از میراث باغ‌سازی ایران در عصر تیمور دانست که در بستر مناسبی رشد کرد و شکل تکامل‌یافته‌اش از جانب غرب دوباره به ایران وارد شد؛ و پیوسته در معرض داد و ستد و تکامل عناصر فرهنگی بوده است. بدین‌سان، عنصر فرهنگی صادرشده به شکلی کامل‌تر دوباره به این بستر فرهنگی راه یافت و در دوره‌های بعدی شکوفاتر شد.

۵۵. ویلبر ضمن شرح مشکلات بابر در پیاده‌سازی طرح باغهای ممالک شمالی در هندوستان، تحولی را که ناگزیر در ضمن انتقال الگوی باغ و چهارباغ به شمال هند رخ نمود چنین تفسیر کرده است: «انتقال باغهای هرات و سمرقند به دشتهای هندوستان امکان‌پذیر نبود. آب‌وهوای آنجا برای ایجاد باغهای میوه و تاکستان مناسبت نداشت [...]. در نقاط کوهستانی، باغهای زیبا را باغهای میوه و یا بستان می‌دانستند و شناختن گلستان یا باغ گل به عنوان یک باغ زیبا نظریه‌ای بود که بعدها پیدا شد. به علت عدم امکان ایجاد باغهای میوهٔ بارآور و پردرخت در هندوستان، باغهای این کشور به صورت فضاهای بسیار بزرگ که مقدار زیادی آب نیز داشت در آمده است»؛ نک: دونالد ویلبر، همان، ص۶۹.
به نظر نمی‌رسد عاملی که منجر به شکل‌گیری نسخهٔ هندی باغهای تیموری و بابری شد صرفاً ناممکن بودن ایجاد باغهای میوه و تاکستان باشد؛ زیرا در این منطقه نیز درختان میوهٔ کم‌وبیش مشابه درختان ایران به عمل می‌آید. از سوی دیگر، چنان‌که ویلبر خود اشاره کرده است، باغهای میوه و تاکستان تنها الگوی حاکم بر باغ‌سازی نبود و برخی از باغها را صرفاً برای تفرج و با استفاده از گونه‌های گیاهی غیرمثمر طراحی می‌کردند و می‌ساختند؛ نک: همان، ص۸۱.

۵۶. ارگ لاهور در غرب باغ شالیمار و در گوشهٔ شمال غربی حصار شهر تاریخی لاهور قرار دارد. بنای اولیهٔ ارگ بسیار قدیمی است؛ ولی بناهای کنونی در زمان اکبرشاه گورکانی (۹۶۴–۱۰۱۴ق/ ۱۶۰۵–۱۵۵۶) ساخته و به دست اخلاف او بازسازی و نوسازی شده است. به همین سبب، ارگ لاهور مجموعه‌ای ارزشمند از سراسر دورهٔ گورکانیان هند است. در حفاریهای ارگ لاهور، سکه‌هایی مربوط به سال ۴۱۶ق/ ۱۰۲۱م، دورهٔ محمود غزنوی، به دست آمده که مربوط به زمان فتح این شهر به دست شاه غزنوی است. همچنین در لایه‌های حفاری، نشانه‌هایی از سکونت مربوط به پیش از این تاریخ نیز به دست آمده است؛ نک:
Wikipedia contributors. Lahore Fort. Wikipedia, The Free Encyclopedia. April 17, 2008, 08:57 UTC. Available at: http://en.wikipedia.org/w/index.php?title=Lahore_Fort&oldid=206204095. Accessed April 30, 2008;
به عقیدهٔ مهندس عادل فرهنگی، محقق باغ، باغ حاصل تمایل انسان برای ایجاد تمایز با محیط پیرامون است؛ به‌نحوی که باغ در اقلیمی خشک و کم‌باران چون ایران به صورت فضایی محصور با درختان متراکم و جوی آب ظاهر می‌شود و در محیطی پردرخت و پرباران همچون ژاپن، باغ حاصل خلوت کردن محیط و پیراستن عناصر طبیعی است. بر اساس این نظریه، شکل خاص باغهای شمال هند را نیز بهتر می‌توان تصور کرد. در چنین محیطی که طبعاً سرسبزتر از ماوراءالنهر بود ولی آب جاری در آن کمتر به دست می‌آمد، باغهای هند به صورت چهارباغهایی وسیع و خلوت درآمد که با گلها تزیین می‌شد و نمایش آب در مقیاس وسیع در آن نقش محوری داشت.

۵۷. باغ شالیمار جهانگیر در ۱۵کیلومتری شرق شهر سرینگر و در شمال شرق دریاچهٔ دال واقع است. «شالیمار» در زبان اردو به معنی «سرای عشق» است. این باغ را جهانگیر (حک ۱۰۱۳–۱۰۳۶ق/۱۶۰۵–۱۶۲۷م) در ۱۰۲۵ق/ ۱۶۱۶م به نشانهٔ عشق به همسرش، نور جهان، بنا کرد. به استناد منابع تاریخی، نام اصلی باغ فرح‌بخش بوده است. دوازده سال بعد، ظفرخان، حاکم وقت قندهار، به فرمان شاه جهان باغ دیگری به این مجموعه افزود که آن را فیض‌بخش نامیدند. امروز از این باغ اثری نمانده است. ظاهراً فیض‌بخش مجموعه باغهایی اطراف محوطهٔ اصلی بوده که بر اثر تغییرات منطقه و توسعهٔ شهر از میان رفته است؛ نک:
http://archnet.org/library/sites/one-site.jsp?site_id=8861.

۵۸. در منابع فارسی سخنی از اینکه علی‌مردان‌خان حاکم لاهور، یا پیش از آن حاکم کشمیر، بوده نشده است. در دو منبع زیر از علی‌مردان‌خان در مقام حاکم کشمیر و بعدها قندهار یاد شده است:
Sattar Sikander, "The Shalamar: A Typical Muslim Garden";
"Gardens of The Mughal Impire".

۵۹. در همهٔ منابع انگلیسی، شاه‌نهر را به Royal Canal برگردانده‌اند؛ در حالی که این ترکیب در اینجا به معنای نهر اصلی است و باید آن را به Main Canal یا مانند آن برگرداند.

۶۰. فاضل‌خان، ملقب به ملاّ علاءالملک تونی، اهل تون (فردوس امروزی) و از معماران بزرگ سدهٔ یازدهم هجری بود. مدرسهٔ فاضلیهٔ مشهد از آثار اوست؛ نک: «ملا علاءالملک تونی»، در *ویکی‌پدیا، دانشنامهٔ آزاد*.

۶۱. باستانی پاریزی، همان، ص۳۵.

62. "Shalimar Gardens (Lahore)", *Wikipedia, The Free Encyclopedia*.

۶۳. خاندان میان ۳۵۰ سال به صورت موروثی بر این منطقه حکم راندند و در ساختار سیاسی پاکستان و در منطقهٔ پنجاب همواره از گروههای قدرتمند بودند؛ تا آنکه در ۱۹۶۲م، به سبب مخالفت این خاندان با حکومت نظامی ژنرال ایوب‌خان (حک ۱۹۵۸–۱۹۶۹، نخستین ژنرال پاکستان که از طریق کودتا به قدرت رسید)، او این منطقه را ملی اعلام و حکومت این خاندان را ملغا کرد؛ نک:
"Ayub Khan" and "Mian Family Baghbanpura", *Wikipedia, The Free Encyclopedia*.

۶۴. از مقایسهٔ منابع مختلف چنین برمی‌آید که باغ شالیمار حاصل همکاری خلیل‌الله‌خان در مقام مدیر مجموعهٔ طرح از سوی دربار، علی‌مردان‌خان در مقام مهندس و طراح و سرپرست طرح، و علاءالملک در مقام سرمعمار بوده است.

۶۵. در برخی منابع از بخش سوم با نام حیات‌بخش یاد شده است. ستار سکندر عقیده دارد نامهای فیض‌بخش و فرح‌بخش گویای آن است که در باغ عمومی درخت میوه می‌کاشتند و در باغ سلطنتی گل و گیاه خوش‌بو.

۶۶. به روایت برخی از منابع، علی‌مردان‌خان نخستین بار چنار را به کشمیر آورد؛ در حالی که بر اساس اشارات متعددی که بابر در خاطراتش به چنار کرده است، این نکته، دست‌کم در مورد گونهٔ چنار، درست نمی‌نماید.